

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

آرایه‌های «مجاز» و «حس آمیزی» را در ابیات زیر مشخص کنید.

بلند دوم بلند دوم

۹ لیک چنان خیره و خاموش ماند
کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند
۱۰ پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار
تا نباشد در پس دیوار گوش

۳۱ «حسن تعلیل» به کار رفته در بیت زیر را توضیح دهید.

«چو سرو از راستی برزد علم را
ندید اندر جهان تاراج غم را»
۴۰ در ابیات زیر استعاره‌ها را مشخص کنید.

الف) بر کن ز بن این بنا که باید
از ریشه بنای ظلم بَرکند
ب) در مملکت چو غُرُش شیران گذشت و رفت
این عوعو سگان شما نیز بگذرد

درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

۵۲ الف) در مصراع «بی‌مهر رُخت روز مرا نور نمانده است» کلمه «مهر» در دو معنای «خورشید» و «محبت» به کار رفته و آرایه ایهام را به وجود آورده است.

۶۲ ب) در عبارت «هنر، چشمه زاینده است و دولت پاینده» واژه‌های «زاینده» و «پاینده» آرایه جناس و سجع را ساخته‌اند.

۱۱۵ پ) در بیت «شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب» آرایه «اغراق» دیده می‌شود.
۱۳۴ ت) مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در «مثنوی معنوی» از آن بهره می‌گیرد، «تمثیل» است.

۱۴۵ در مصراع دوم بیت زیر چه آرایه‌ای مشهود است؟

«زینهار از قرین بد زینهار
و قُتَا رَنّا عَذَابَ النَّارِ»
۱۳۵ آرایه «جناس» و نوع آن را در بیت زیر مشخص کنید.

«گلاب است گویی به جویش روان
همی شاد گردد به بویش روان»
جای خالی را با عبارت مناسب کامل کنید.

۱۵۶ الف) واژه‌های «محبت»، «دوستی» و «ألفت» رابطه معنایی..... دارند.

۱۶۵ ب) در مصراع «ای عقلی مرا کفایت از تو» واژه حذف شده «خداوند»..... محذوف است.

۱۳۳ پ) پسوند «وش» در کلمه «خواج‌ه‌وش» به معنای..... است.

۱۱۳ ت) «ممال» واژه‌های «رکاب» و «جهاز»..... و..... است.

۱۱۲ ث) در مصراع «به جمشید بر، تیره‌گون گشت روز» کاربرد یک..... با دو حرف اضافه دیده می‌شود.

۱۰۱ مصراع «گل صبر می‌پرورد دامن من» به شیوه عادی سروده شده است یا بلاغی؟

۹۳ عبارت زیر «ساده» است یا «مرکب»؟ توضیح دهید.

«اینها دریادلان صف شکنی هستند که دل شیطان را از رُعب یا وحشت می‌لرزانند».

۸۳ در مورد نوع «و» در عبارت‌های زیر توضیح دهید.

الف) زندگی و سفر مانند هم هستند.
ب) در طول زندگی، سفر می‌کنیم و در سفر هم زندگی می‌کنیم.

۷۳ معنای فعل‌های مشخص شده را با کاربرد امروزی آنها مقایسه کنید.

الف) به مجلس وزیر شدیم.
ب) شوخ از خود باز کنیم.

۷۴ کاربرد معنایی پسوند «ک» را در هر یک از واژه‌های زیر بنویسید.

الف) خورجینک:
ب) درمک:

۶۱ کدام یک از واژه‌های زیر «دو تلفظی» نیست؟

الف) مهربان
ب) جاودان
پ) انسان

۵۱ نقش دستوری ضمائر مشخص شده را بنویسید.

الف) ای صبح دم، بین که کجا می‌فرستم

ب) گفتمت چون دُر حدیثی گر توانی داشت هوش

پ) حُسنِت به اتفاق ملاحِت جهان گرفت

۱۹ در عبارت‌های زیر چه نوع «حذفی» دیده می‌شود؟

الف) هم‌نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم‌نشین بد.
ب) آرزو گفت: «از نمایشگاه کتاب چه خبر؟»

پاسخ

- [۹] الف) حس آمیزی: شیرین سخنی
- [۱۰] ب) مجاز: گوش (مصراع دوم) مجاز از «انسانِ سخن چین» است.
- [۳۱] راست قامتی سرو دلیلی است برای سرسیزی آن.
- شاعر «راست قامتی سرو را» راستی و صداقت او پنداشته است.
- [۴۰] الف) «بنا» استعاره از «ظلم» است.
- ب) شیران استعاره از انسان‌های بزرگوار و (حاکمان عادل) سگان استعاره از انسان‌های پست و بی‌ارزش (حاکمان ظالم) است.
- [۵۲] درست
- [۶۲] درست
- [۱۱۵] درست
- [۱۳۴] درست
- [۱۴۵] تضمین
- [۱۳۵] جناس همسان (تام): روان (جاری) و روان (جان)
- جناس ناهمسان (ناقص اختلافی): گو، جو و بو
- [۱۵۶] ترادف
- [۱۶۵] منادای
- [۱۳۳] شباهت و همانندی
- [۱۱۳] رکیب - جهیز
- [۱۱۲] متمم
- [۱۰۱] شیوهٔ بلاغی، به این دلیل که اجزای جمله در جای اصلی خود نیامده است. ساماندهی مصراع: دامن من گل صبر می‌پرورد.
- [۹۳] جملهٔ مرکب است، چون حرف ربط وابسته‌ساز «که» بین دو جمله به کار رفته است. جملهٔ اول جملهٔ هسته و جملهٔ دوم، وابسته است.
- [۸۳] الف) نوع «و» عطف است؛ چون بین دو کلمه آمده است.
- ب) نوع «و» ربط است؛ چون بین دو جمله آمده است.
- [۷۳] الف) گذشته: رفتیم - امروز: فعل اسنادی به معنی گردید.
- ب) گذشته: بشوئیم، پاک کنیم - امروز: جدا کنیم و بگشاییم
- [۷۴] الف) تصغیر یا کوچکی (خورجین کوچک)
- ب) کم ارزش (درهم کم ارزش)
- [۶۱] گزینهٔ «پ»
- [۵۱] الف) مفعول: تو را می‌فرستم.
- ب) متمم: به تو گفتم
- پ) مضاف‌الیه: حُسنِ تو
- [۱۹] الف) حذف به قرینهٔ لفظی: فعل «است» از پایان جملهٔ دوم حذف شده است.
- ب) حذف به قرینهٔ معنایی (معنوی): فعل «داری» به قرینهٔ معنایی حذف شده است.

به نام کردگار

ستایش

مفاهیم کلیدی

- ۲ گروه واژه‌های املایی
۴ معنی و مفهوم ابیات ستایش

- ۱ معنی واژگان ستایش
۳ تاریخ ادبیات: الهی‌نامه، عطار نیشابوری



[حد اکثر زمان مطالعه: ۶۰ دقیقه] - زمان شما:

مفاهیم آموزشی

۱ معنی واژگان ستایش

از آن: به آن دلیل	* زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا
* افلاک: ج فلک، آسمان‌ها	عجایب: ج عجیب، چیزهای شگفت‌آور و بدیع
پدیدار: آشکار	* فروغ: روشنائی، پرتو
پرده برداشت: آشکار کرد	* فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد -
پیدا کرد: در اینجا یعنی آفرید	* کام: دهان
جان جان: حق تعالی، ذات خداوند	کردگار: آفریننده، خدا
حقیقت: واقعاً، به درستی که	گنگ: لال، کسی که نتواند کلمات را ادا کند.
خلاق: خلق‌کننده، آفریننده	نظر: عنایت، توجه
رخسار: چهره	وصف: شرح کردن
* رزاق: روزی‌دهنده	یقین: بی‌گمان، قطعاً

۳ تاریخ ادبیات

- درباره‌ی شاعر: شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف نامی قرن ۶ و ۷ (۶۱۸-۵۴۰) است. از آثار او می‌توان به «منطق الطیر»، «الهی‌نامه»، «مصیبت‌نامه»، «اسرارنامه» و «تذکره الاولیاء» اشاره کرد.
- درباره‌ی اثر: براساس سنت‌های دینی اگر سخنی با نام و یاد خداوند آغاز نشود، ناقص و ابتر خواهد بود. به همین خاطر، عطار سخنش را با نام و یاد خداوند آغاز می‌کند. عطار در این درس با توجه به آموزه‌های دینی و عناصر طبیعت، به حمد و ستایش خداوند پرداخته و نگرش توحیدی خویش را بیان کرده است.

۴ معنی و مفهوم ابیات ستایش

- به نام کردگارِ هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک
- معنی واژه: افلاک: ج فلک، آسمان‌ها
 - برگردان روان: به نام آفریننده‌ی هفت آسمان (کل عالم) سخن خود را آغاز می‌کنم، خدایی که انسان را از مشتی خاک آفرید.
 - مفهوم: آفرینش انسان از خاک / آغاز کارها با نام خدا
 - دستور زبان: هفت افلاک: مطابقت صفت با موصوف، از ویژگی‌های سبکی متون کهن است که امروز در زبان فارسی کاربرد ندارد. (امروز هفت فلک می‌گوییم)، حذف فعل «آغاز می‌کنم» در مصراع اول - به قرینه‌ی معنایی.
 - آرایه‌ی ادبی: مجاز: «هفت افلاک» مجاز از «کل هستی».
 - «کفی»: مجاز از «مقدار اندک» - واج آرایبی: تکرار صامت «ک» و مصوت «پ» - تلمیح: مصراع دوم اشاره دارد به آیه ۷۱، سوره «ص»، «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِّن طِينٍ» (به درستی که انسان را از خاک آفرید) - تضاد: افلاک و خاک
 - الهی، فضلِ خود را یار ما کن / رحمت، یک نظر در کار ما کن
 - معنی واژه: فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد -
 - برگردان روان: خدایا، بخشش خود را نصیب ما کن و از روی محبت به کار ما توجه کن.

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

طلب بخشش، لطف و یاری از خداوند - نیازمندی انسان به لطف خداوند

الهی: منادا - فضل: مفعول - یار: مسند - رحمت: متمم

ترکیبات «فضل خود»، «یار ما» و «کار ما» اضافی هستند. - ترکیب «یک نظر» وصفی است.

جناس ناهمسان: یار و کار

کنایه: نظر کردن کنایه از توجه کردن - واج آرایی: تکرار صامت «ر» و مصوت «آ»

تویی رزاقِ هر پیرا و پنهان / تویی خالقِ هر دانا و نادان

رزاق: روزی دهنده / خلاق: خلق کننده، آفریننده

(خدایا) تو روزی دهنده همه آفریده ها و موجودات هستی، تو آفریدگار همه انسان ها (چه دانا و چه نادان) هستی.

رزاقیت و خلاقیت خداوند

تو: نهاد - رزاق و خلاق: مسند

ترکیبات: «هر پیرا»، «هر پنهان»، «هر دانا» و «هر نادان» وصفی هستند. پیرا، پنهان، دانا و نادان صفت های جانشین اسم هستند.

تضاد: ۱- پیرا و پنهان، ۲- دانا و نادان - مجاز: پیرا و پنهان مجاز از «تمامی آفریده ها و موجودات»، «دانا و نادان» مجاز از «همه

انسان ها» - تکرار: تویی و هر - تلمیح: اشاره به آیه ۵۸ سورة الذاریات «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ» و آیه ۸۶ سورة حجر «هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ».

زهی گویا ز تو، کام و زبانم / تویی هم آشکارا، هم نهانم

زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می شود. خوشا، آفرین، شگفتا - کام: دهان

(خداوندا) چه خوش است که دهان و زبان من از قدرت تو گویا شده است، تو همه هستی و وجود من هستی (ظاهر و باطن من

هستی) / تو برای من آشکار و پنهان هستی.

همه وجود انسان جلوه خداست.

بیت از چهار جمله تشکیل شده است: ۱- زهی / ۲- گویا ز تو کام و زبانم [است] / ۳- تویی هم آشکارا / ۴- هم نهانم

نکته برای به دست آوردن تعداد جمله های یک بیت یا عبارت، تعداد فعل های موجود و محذوف را با شبه جمله ها (منادا

یا صوت) جمع می کنیم.

- زهی: شبه جمله - کام و زبان، تو (در مصراع دوم): نهاد - آشکارا، پنهان و گویا: مسند - تو (در مصراع اول): متمم.

مجاز: «کام» مجاز از «دهان» / «آشکارا و پنهان»

تضاد آشکارا و پنهان - تکرار: هم و تو - تناسب: ۱- کام و زبان و گویا - تلمیح: اشاره به آیه ۴ سورة الرحمن «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ....» واج آرایی:

تکرار صامت «م» و مصوت «آ»

پرو در وقتِ بهار آبی پریدار / حقیقت، پرده برداری ز رُفسار

پریدار آبی: آشکار شوی / حقیقت: حقیقتاً، به راستی / رُفسار: چهره، صورت

هنگامی که در فصل بهار آشکار می شوی، به راستی که زیبایی های خود را نشان می دهی.

تجلی و جلوه خداوند در پدیده های هستی

«آبی»: فعل اسنادی به معنی «می شوی» - پریدار: مسند - حقیقت: قید - رُفسار: متمم

نکته کاربرد «آمدن» در معنی «شدن» ← فعل اسنادی

کنایه: پرده برداشتن کنایه از آشکار کردن - واج آرایی: تکرار صامت «ر»

فروغِ رویت اندازی سوی خاک / عجایب نقش ها سازی سوی خاک

فروغ: روشنایی، پرتو - سازی: خلق می کنی

(خدایا) در فصل بهار که پرتو (روشنی) چهره ات را بر زمین می اندازی، طبیعت را پر از نقش های رنگارنگ و شگفت انگیز می کنی.

تجلی جمال خداوند در پدیده های آفرینش

«عجایب نقش ها» ویژگی سبکی مطابقت موصوف جمع با صفت جمع دارد که ترکیب «عجایب نقش ها» (نقش های عجیب) وصفی

مقلوب است و جای صفت و موصوف عوض شده است. - ترکیب های «فروغ روی»، «روی تو (ت)» و «سوی خاک» اضافی هستند.

فروغ و نقش: مفعول

جناس ناهمسان: روی و سوی - مجاز: خاک مجاز از زمین - واج آرایی: تکرار مصوت «او»

گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

- معنی واژه
- برگردان روان
- مفهوم
- دستور زبان

از آن: به آن علت، به آن دلیل
(خدایا) گل در فصل بهار، از اشتیاق تو خندان (شکופا) می‌شود و به همین دلیل است که رنگ‌های بی‌شمار و متنوعی دارد.
عشق به خداوند دلیل زیبایی همه پدیده‌هاست.
ضمیر متصل «ش»: مضاف‌الیه برای رنگ‌ها است و مرجع آن گل است. (البته می‌توان «ش» را متمم هم در نظر گرفت: برای آن (گل‌ها) رنگ‌های بی‌شمار است) ترکیب‌های «شوق تو» و «رنگ‌هایش» اضافی هستند.
ترکیب «رنگ‌های بی‌شمار» وصفی است.
گل: نهاد - شوق و بهار: متمم - خندان: مسند
تشخیص: خندان بودن گل - تناسب: گل و بهار - کنایه: خندان بودن گل کنایه از «شکوفایی و شکفته شدن» - حسن تعلیل: علت شکوفا شدن و رنگارنگی گل شوق الهی است.

● آرایه ادبی

هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی / یقین دانم که بی‌شک، جانِ هانی

- معنی واژه
- برگردان روان
- مفهوم
- دستور زبان

بیش از آنی: بیشتر و برتر از آن (توصیف) هستی / جان جان: اصل روح و جان و وجود هستی / یقین: بی‌شک، بی‌تردید
خدایا، با هر بیانی تو را وصف کنم، نمی‌توانم حقیقت تو را توصیف کنم؛ قطعاً می‌دانم که تو حقیقت و روح اعظم هستی.
ناتوانی شاعر در توصیف عظمت خداوند / خداوند اصل وجود و هستی است.
ترکیبات «هر وصف» و «آن وصف» وصفی هستند. «ی» در «آنی» و «جانی» مخفف فعل اسنادی است.
بیش از آن و جان: مسند - یقین: قید
جناس ناهمسان (افزایشی): آن و جان - تکرار: آن و جان - واج آرایی: تکرار صامت «ن» و مصوت‌های «ای» و «آ» / منظور از «جانِ جان»، خداوند است.

● آرایه ادبی

نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / تو دانی و تو دانی، آتیه فواهی

- برگردان روان
- مفهوم
- دستور زبان
- آرایه ادبی

خدایا، من از خواست و اراده تو بی‌خبر هستم، اما تو دانا و آگاه به تقدیر همه چیز هستی.
ناآگاهی انسان در برابر دانایی و علم بی‌پایان خداوند
بیت از شش جمله تشکیل شده است. (یک منادا و پنج فعل)، تمام افعال مضارع اخباری هستند. الهی: منادا - آنچه: مفعول
تکرار: تو، نمی‌دانم و دانی - واج آرایی: تکرار مصوت‌های «آ» و «ای» و صامت «د» - تلمیح: اشاره به آیه شریفه: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

الهی‌نامه، عطار نیشابوری

۲ گروه واژه‌های املایی

افلاک و آسمان‌ها - فضل و بخشش - رحمت و مهربانی - رزاق و روزی‌دهنده - خلاق و خلق‌کننده - نهان و پنهان - فروغ و روشنایی - عجایب نقش‌ها - وصف و توصیف - یقین و بی‌شک - الهی و خدایا

تمرین‌های امتحانی

فلمرو زبانی

● معنی واژه

۱ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زهی گویا ز تو، کام و زبانم

ب) تویی رزاق هر پیدا و پنهان

پ) الهی، فضل خود را یار ما کن

ت) فروغ رویت اندازی سوی خاک

ث) یقین دانم، که بی‌شک، جان جانی

۲ برای هر یک از واژه‌های زیر، معادل معنایی از درس بیابید و بنویسید.

الف) چیزهای شگفت‌آور:

پ) چهره:

ب) خدا:

ت) آفرید:

[تهران - مدرسه خرازگان ۲ - دی ۹۸]

[تهران - مدرسه روشنگران - دی ۱۳۰۰]

[بهشهر - مدرسه شهید بهشتی - دی ۱۳۰۰]

[تهران - مدرسه صالح - دی ۹۹]

[تهران - مدرسه تربیت - دی ۹۸]

۳ غلط‌های املایی را بیابید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

«هفت افلاک - کفی خاک - فضل خود - یک نظر - خلاق و رذاق - کام و زبان - چهره و رخصار - آشکار و نهان»

● دستور زبان

۴ تعداد جمله‌های همه بیت‌ها به جز در مقابل آن صحیح آمده است.

[تهران - مدرسه تربیت - دی ۹۸]

- ۱) زهی گویا ز تو، کام و زبانی
- ۲) به نام کردگار هفت افلاک
- ۳) چو در وقت بهار آبی پدیدار
- ۴) که خبر برد به یار از من مبتلای غمگین؟
- ۵) فعل‌های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.
الف) گل از شوق تو خندان در بهار است
ب) هیچ ستاره نیست که وام‌دار تو نیست

فلمروادبی

- ۶ آرایه به کار رفته در هر بیت را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف) چو در وقت بهار آبی پدیدار
ب) نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی
پ) هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی
۷ کدام واژه در بیت زیر در مفهوم مجازی به کار رفته است؟
فروغ رویت اندازی سوی خاک
۸ برای هر یک از بیت‌های زیر دو آرایه ذکر کنید.

حقیقت پرده‌برداری ز رخصار (کنایه - تشبیه)
تو دانی و تو دانی، آن چه خواهی (تکرار - اغراق)
یقین دانم که بی‌شک، جان جانی (جناس - مراعات نظیر)

عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

[مشهر - مدرسه مصطفی نژاد - دی ۱۴۰۰]

که پیدا کرد آدم از کفی خاک
تویی هم آشکارا هم نهانم

- الف) به نام کردگار هفت افلاک
- ب) زهی گویا ز تو کام و زبانی

فلمرو فکری

● معنی نظم و نثر

- ۹ معنی هر یک از ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.
الف) چو در وقت بهار آبی پدیدار
ب) گل از شوق تو خندان در بهار است
۱۰ مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.
الف) نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی
ب) فروغ رویت اندازی سوی خاک
۱۱ در مورد مفهوم مشترک ابیات زیر توضیح دهید.
هر چه در وصف تو گویند و کنند اندیشه
هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی

حقیقت پرده‌برداری ز رخصار [تهران - مدرسه فرزادنگار - دی ۹۸]
از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

[تهران - مدرسه سوده - دی ۱۴۰۰]

تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

[مشهر - مدرسه مصطفی نژاد - دی ۹۹]

آن همه دون حق توست و تو برتر ز آنی
یقین دانم که بی‌شک، جان جانی

سؤال تمرین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
کد مفاهیم کلیدی	۱	۱	۲	-	-	-	۱۰	۱۰	۴	-	۴

۱ [۱] الف) هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تحسین و تشویق

کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا، ب) روزی دهنده، پ) فضل، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند می‌رسد. ت) روشنائی، پرتو، ث) بی‌گمان، قطعاً

۲ [۱] الف) عجایب، ب) کردگار، پ) رُخسار، ت) پیدا کرد

۳ [۲] رذّاق ← رزّاق

رُخسار ← رُخسار

۴ گزینۀ «۲»؛ این بیت از دو جمله تشکیل شده است:

به نام کردگار هفت افلاک [آغاز می‌کنم]، پیدا کرد آدم از کفی خاک

۱ ۲

۵ الف) در این مصراع فعل «اسنادی» است.

ب) در این مصراع، فعل اول به معنی «وجود ندارد» غیراسنادی است.

۶ الف) کنایه: پرده برداشتن از چیزی کنایه از آشکار کردن است.

ب) تکرار: نمی‌دانم، دانی و تو

پ) جناس: جان و آن

۷ [۱۰] خاک مجاز از زمین (طبیعت) است.

۸ الف) [۱۰] مجاز: هفت افلاک مجاز از کل هستی - تلمیح: مصراع دوم به

آیه ۷۱ سوره «ص» اشاره دارد.

ب) تضاد: آشکارا و نهان - تکرار: هم و تو

[در بیت (ب) به آرایه‌های تناسب و مجاز نیز می‌توان اشاره کرد.]

۹ [۴] الف) هنگامی که در فصل بهار آشکار می‌شوی، به راستی که

زیبایی‌های خود را نشان می‌دهی

ب) (خدایا) گل در فصل بهار، از اشتیاق تو خندان (شکوفه) می‌شود و به همین

دلیل است که رنگ‌های بی‌شمار و متنوعی دارد.

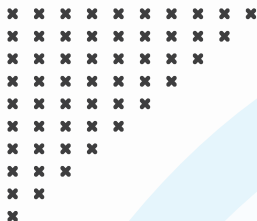
۱۰ الف) خداوند بر همه اسرار آگاه است.

ب) تجلی خدا در آفرینش

۱۱ [۴] عجز و ناتوانی انسان از شناخت و توصیف خداوند

یادداشت

فصل ۱: ادبیات تعلیمی



۵ گونه‌شناسی: ادبیات تعلیمی

در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که در آنها شاعر یا نویسنده، خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته است؛ به این گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می‌گویند.

اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این گونه آثار ادبی، به‌ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی و...) و برخی آثار طنز، جنبه‌ی تعلیمی دارند.

نمای کلی فصل

درس یکم: «چشمه»، نکوهش غرور، قالب: مثنوی، شاعر: نیمایوشیج (علی اسنفدیاری)

گنج حکمت: «پیرایه‌ی خرد»، فایده‌ی خرد، پیرایه‌ی خرد، کلیله و دمنه، ترجمه‌ی نصرالله منشی

درس دوم: «از آموختن، ننگ مدار»، توصیه‌های اخلاقی، قابوس‌نامه، نویسنده: عنصرالمعالی کیکاووس

روان‌خوانی: «دیوار»، نکوهش جدایی میان انسان‌ها، نویسنده: جمال میرصادقی



چشمه

درس اول

مفاهیم کلیدی

- ۵ گونه‌شناسی: ادبیات تعلیمی
۷ گروه واژه‌های املایی
۹ قلمرو ادبی: حس آمیزی
۱۱ معنی و مفهوم ابیات درس
- ۶ معنی واژگان درس
۸ تاریخ ادبیات: نیما یوشیج (علی اسفندیاری)
۱۰ قلمرو ادبی: مجاز



[حداکثر زمان مطالعه: ۸۰ دقیقه] زمان شما:



مفاهیم آموزشی

۶ معنی واژگان درس

بدمد: بروید، سر از خاک بیرون بیاورد	شیرین سخنی: سخنوری، زبان آوری
بر: پهلوی، کنار، آغوش	غُلغله زن: شور و غوغاکنان
* برازندگی: شایستگی، لیاقت	فلک: آسمان
بُن: عمق، ریشه	* گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ
پرتو: تابش، نور و روشنی	گهر: گوهر، سنگ قیمتی
* پیرایه: زیور و زینت	مبدأ: آغاز هر چیز
تابناک: نورانی، درخشان، روشن	* معرکه: میدان جنگ، جای نبرد
* تیزپا: تندرو، تیزرو	* نادره: بی همتا، شگفت آور
چهره نما: خودنما	نعره: فریاد، بانگ بلند
حامل: حمل کننده	* نَمط: روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب
خجلی: شرمندگی، خجالت زدگی	* نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ در متن درس، مقصود از «پرده نیلوفری» آسمان لاجوردی است.
خیره: سرگشته، حیران، فرومانده	* ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری
راست: درست، دقیقاً، به واقع	همسری: برابری
زهره در: ترسناک	* هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی
سرمایه: دارایی	یکتا: یگانه، بی نظیر
سهمگن: ترسناک	* یله: رها، آزاد، یله دادن: تکیه دادن
* شکن: پیچ و خم زلف	

۸ تاریخ ادبیات

● درباره شاعر
مثنوی «چشمه»، سروده نیما یوشیج (علی اسفندیاری) شاعر نوپرداز معاصر است. او در این مثنوی به توصیف چشمه‌ای می‌پردازد که با شور و غوغای فراوان، به خودستایی و خودشیفتگی زبان می‌گشاید اما پس از دیدن عظمت دریا به حقارت خود پی می‌برد و از شدت حیرت، سکوت اختیار می‌کند.

«چشمه» در این درس نماد افراد مغرور، متکبر و خودپسند است.

- درباره اثر
● محتوا
قالب شعر: مثنوی
نکوهش غرور و خودستایی

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

● معنی واژه

● برگردان روان

● مفهوم

● دستور زبان

● آرایه ادبی

۷ گروه واژه‌های املایی

نعره برآورد، فلک کرده کر دیره سیه کرده، شده زهره در

صدای امواج خروشان دریا، آن قدر بلند بود که گوش آسمان را کر کرده و از خشم، چشمانش را سیاه کرده بود و موجب ترس و وحشت بسیار شده بود.

هیبت و ترسناکی دریا
بیت چهار جمله است. فعلِ کمکی «بود» یا «است» در پایان هر چهار جمله به قرینه معنایی حذف شده است. مفعول: نعره، فلک و دیده - مسند: زهره در و سیه

کنایه: ۱- کر کردن فلک کنایه از صدای بلند سر دادن، ۲- سیاه کردن دیده کنایه از خشمگین نگریستن، ۳- زهره در شدن کنایه از بسیار ترسناک بودن - تشخیص: ۱- نعره بر آوردن و دیده سیاه کردن دریا، ۲- کر شدن گوش فلک - واج آرایه: تکرار صامت‌های «ک» و «ر» / اغراق: کر شدن گوش فلک

راست به مانند یکی زلزله دره تنش بر تن ساحل، یله

یله: رها، آزاد، یله دادن: تکیه دادن

آن دریای امواج درست مانند زلزله‌ای، بدنش را بر روی ساحل، رها کرده بود.

توصیف عظمت و رها شدن امواج دریا بر ساحل

تشبیه: دریا به زلزله مانند شده است. - تکرار: تن - تشخیص: تن دریا / تن ساحل / یله دادن دریا

پشمه کوچک پو به آتبا رسید وان همه هنگامه دریا بریر

هنگامه: داد و فریاد، غوغا، شلوغی

هنگامی که چشمه کوچک به آنجا (دریا) رسید و آن همه فریاد و غوغای دریا را دید... (این بیت با بیت بعدی موقوف‌المعانی است.)

ترکیب‌های «چشمه کوچک»، «آن جا»، «آن هنگامه» و «همه هنگامه» وصفی هستند. هنگامه: مفعول

تشخیص: رسیدن و دیدن چشمه / هنگامه دریا - تناسب: دریا و چشمه تضاد معنایی هم دارند.

فواست کزان ورطه، قدم درکشر فویشن از حادثه برتر کشر

ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری

(چشمه) خواست خود را از آن مهلکه نجات بدهد و خود را از آن حادثه رها کند.

احساس حقارت و تلاش برای رهایی

خویشن: مفعول

تشخیص: قدم در کشیدن و خواستن چشمه - کنایه: ۱- قدم در کشیدن کنایه از ایستادن، بازماندن از رفتن، ۲- خویشن از حادثه

برتر کشیدن کنایه از نجات دادن خود از حادثه - واج آرایه: تکرار صامت «ر»

لیک پنان فیره و خاموش مانر کز همه شیرین سفتی، گوش مانر

خیره: سرگشته، حیران، فرومانده

اما [با دیدن عظمت دریا]، چنان شگفت زده و ساکت ماند که با آن همه ادعا و خوش زبانی، فقط شنونده صدای دریا شد.

درماندگی، سکوت و احساس حقارت

قید: چنان - خیره و خاموش و گوش: مسند

تشخیص: شیرین سخنی و خیره و خاموش ماندن چشمه - حس آمیزی: شیرین سخنی (آمیختن دو حس شنوایی و چشایی) -

مجاز: گوش مجاز از شنونده / شیرین سخنی: کنایه از زیبا سخن گفتن - گوش ماندن: کنایه از ساکت شدن

نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

غلغله زن و پر هیاهو - صدف - معرکه و میدان - صحرا و بیابان - آغوش و پهلوی - گهر تابناک - حامل و حمل کننده - صاحب و مالک - نمط و شیوه - بحر (دریا) و بهر (برای) - سهمگن و ترسناک - مبدأ و آغاز - زهره و ترس: زهره و مریخ - ساحل - خواست و طلب کرد - خاست و بلند شد - ورطه و مهلکه - حقارت و پستی

کارگاه متن پژوهی

فلمرو زبانی

۱. معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.

در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

«همسری» در درس به معنای «برابری» است؛ اما امروزه به معنی «ازدواج» به کار می‌رود.

راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله

[۶] «راست» در درس به معنای «درست» و «دقیقاً» است اما امروزه معانی دیگری چون «جهت راست»، «متضاد دروغ» و «مستقیم» هم دارد.

۲. بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.

«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیزپا»

یکی چشمه، غلغله زن، چهره نما، تیزپا ز سنگی جدا گشت
گروه نهادی قید متمم مسند فعل اسنادی

فلمرو ادبی

۱. هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

تناسب: مو و رُخ - تشخیص: مو داشتن چشمه، دیدن و رُخ داشتن ماه - استعاره: ۱- مو استعاره از آب، ۲- شکن استعاره از موج

گه به دهان، بر زده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

جناس ناهمسان: هدف و صدف - تشبیه: چشمه (مشبه) به صدف و تیر (مشبه‌به) مانند شده است. - تشخیص: دهان داشتن چشمه و صدف - کنایه: کف بر دهان زدن کنایه از جوش و خروش است. چون تیر رفتن کنایه از سریع حرکت کردن است - واج آرایی: تکرار صامت‌های «ر» و «د»

۲. با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟ نماد افراد مغرور، متکبر و خودشیفته

اپستگاه یادگیری

۹ حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کدام را «حس آمیزی» می‌گویند. حس آمیزی با ایجاد موسیقی معنوی موجب زیبایی سخن می‌شود.

نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تگه چمن روشن بود.»

در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

چند نمونه دیگر:

- ۱) از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
«دیدن صدا» آمیختن دو حس «بینایی» و «شنوایی» است.
- ۲) شیرینی گفتار تو افکند در آفاق
«شیرینی گفتار» آمیختن دو حس «چشایی و شنوایی» است.
- ۳) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های رنگین
«ترانه‌های شیرین» آمیختن دو حس «شنوایی و چشایی» است - «بهانه‌های رنگین» آمیختن دو حس «شنوایی و بینایی» است.
- ۴) رُخ شاه کاووس پر شرم دید
«نرم سخن گفتن» آمیختن دو حس «لامسه و شنوایی» است.
- ۵) کی شعر ترانگیزد خاطر که حزین باشد
«شعر تر» آمیختن دو حس «شنوایی و لامسه» است.

۳. نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

[۹] «شیرین سخنی»: در مصراع: کز همه شیرین سخنی، گوش ماند، شیرین، «چشیدنی» است و سخن «شنیدنی» است.

اپسنگاه یادگیری

۱۰ مجاز

هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیر حقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیر حقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز»، به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیر حقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛

مثال ~~~~~ پشت دیوار آنچه گویی، هوش‌دار تا نباشد در پس دیوار، گوش سعدی
همان‌طور که می‌دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد. اکنون به دو بیت زیر توجه نمایید:

ما را سرِ باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آن جاست سعدی
عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود حافظ
در بیت اول، واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است.

در بیت دوم، مقصود شاعر از واژه «نرگس»، معنایی غیر حقیقی، یعنی «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شبهات» میان آن دو است. به این نوع مجاز، در اصطلاح ادبی «استعاره» می‌گویند؛ در درس پنجم با آن بیشتر آشنا خواهید شد.

بیشتر بدانید

در کل، رابطه معنای حقیقی و مجازی واژه به شکل‌های مختلفی می‌آید:

۱) ذکر جزء و اراده کل: به کشتن دهی سر به یکبارگی، «سر» مجاز از «وجود» است.

۲) ذکر کل و اراده جزء: سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم؛ «سر» مجاز از «موی» است.

۳) محل چیزی به جای خود آن چیز می‌آید: سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی؛ «سر» محل قصه و اندیشه است و مجاز از «قصه و نیت» است.

۴) فینس چیزی را بگویند و خود آن را اراده کنند: تو متمن گز اندر کمان رانر زود؛ «گز» مجاز از «تیری» است که از درخت گز سافته شده است.

۵) ابزار انجام کاری به جای خود آن چیز به کار برود: دهفرا قلم قویی داشت. «قلم» مجاز از «هنر و مهارت نویسندگی» است.

۶) چیزی به دلیل همراهی با چیز دیگر به جای آن به کار رود: مفتاح قصه نیست، گرت قصه فون ماست؛ «فون» مجاز از «کشتن» است.

۷) چیزی به دلیل شباهت با چیز دیگر، به جای آن به کار رود.

به این نوع مجاز، «استعاره» گفته می‌شود. به عبارتی دیگر «استعاره» مجازی است که رابطه دو طرف آن بر اساس تشبیه شکل گرفته باشد.

مثال ~~~~~ فم آورد بالای سرو سخی از او دور شد دانش و فرهی

در این بیت، اسفندیار در تناسب و زیبایی به سرو مانند شده است و رابطه «سرو» و «اسفندیار» شباهت است؛ به همین دلیل «سرو» استعاره از اسفندیار است. چند نمونه دیگر:

۱- لب و دندان ستایی همه تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
«لب و دندان» مجاز از «کل وجود» است.

۲- برآشفقت ایران و برفاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد
«ایران» مجاز از «سپاه ایران» است.

۳- گز نبندی زین سفن تو خلق را آتشی آید بسوزد خلق را
«خلق» مجاز از «دهان» است.

۴- چو آشامیدم این پیمانه را پاک در اختادم ز مستی بر سر خاک
«پیمانه» مجاز از «شراب» و «خاک» مجاز از «زمین» است.

۵- چو سوافارش آمد به پهنای گوش ز شاخ گوزنان برآمد فروش
«شاخ گوزنان» مجاز از «کمان» است.

۶- اگر رخت و آثار فیرش نماند نشاید پس از مرگش الممرد خواند
«الممرد» مجاز از «خاتمه» است.

۷- کان کس منم ای ستوده دهر کز عشق نبوده هرگزیم بهر
«دهر» مجاز از «مردم دهر» است.

۸- به یاران گفت کز فاکلی و آبی ندیدم کس به این حاضرپوایی
«فاکلی و آبی» مجاز از «همه موجودات یا انسان‌ها» است.

نمرین‌های امتحانی

فلمرو زبانی

● معنی واژه

[کرج - مدرسه فخرقانی - دی ۹۹]

ماه ببیند رُخ خود را به من
فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست
نگفتم که دیوار مسجد بکن

۱ معنی واژه «شکن» در بیت زیر با کدام گزینه یکسان است؟

«چون بگشایم ز سر مو شکن
ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار
ب) تو را تیشه دادم که هیزم شکن

[تهران - مدرسه تربیت - دی ۱۳۰۰]

۲ معنی چند واژه در کمانک مقابل آن درست آمده است؟
خیره (حیران) - زهره در (ترسناک) - فلک (آسمان) - غلغله زن (شور و غوغا کنان) - گهر (سنگ قیمتی) - نادره (ترسو) - ورطه (میدان)
الف) پنج
ب) شش

[تهران - مدرسه علامه علی - دی ۹۸]

[مشهد - مدرسه مصطفی نژاد - دی ۱۳۰۰]

[تهران - مدرسه روشنگران - دی ۱۳۰۰]

[همدان - فخر شاهر - دی ۱۳۰۰]

[ملایر - مدرسه فخرزادگان - دی ۱۳۰۰]

۳ معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زین نمط آن مست شده از غرور

ب) داده تنش بر تن ساحل، یله

پ) تاج سرگلین و صحرا منم

ت) گفت: در این معرکه یکتا منم

ث) دو صیاد با یکدیگر میعاد نهادند.

[تهران - مدرسه صالح - دی ۹۹]

۴ معادل معنایی واژه‌های «سریع، پیچ و تاب و درخشان» را از بیت‌های زیر بیابید و بنویسید.

الف) قطره باران که درافتد به خاک

ب) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

پ) چون بگشایم ز سر مو شکن

ماه ببیند رُخ خود را به من

● املا

۵ املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) ابر ز من (هامل / حامل) سرمایه شد.

ب) (خاست / خواست) کزان ورطه قدم درکشد

پ) یکی (هازم/حازم)، یکی عاجز بود.

ت) در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب / صواب) نبیند

[تهران - مدرسه ثامن‌الائمه - دی ۹۹]

۶ در هر یک از موارد زیر املاي یک واژه نادرست است؛ آن را بیابید و درست آن را بنویسید.

الف) با خود گفت: «قفلت کردم.»

ب) اکنون وقت هیلت است.

پ) چگونه کشتی از این ورته بلا ببرد

ت) خرسند به فرمان غزا باش

۷ در گروه واژه‌های زیر غلط‌های املاي را بیابید و اصلاح کنید.

«صاحب و مالک - بهر و دریا - خواستن و بلند شدن - قضا و سرنوشت - ذخیرت تجربت - سبات و پایداری

● دستور زبان

۸ درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) مصراع «گفت: در این معرکه یکتا منم» دو جمله است و «این معرکه» ترکیب وصفی است.

ب) در مصراع «تاج سرگلین و صحرا منم» من نهاد، «م» مخفف فعل اسنادی و مابقی مصراع گروه مسندی است.

پ) در مصراع «گاه چو تیری که رود بر هدف»، واژه‌های «تیر» و «هدف» نقش متممی دارند.

ت) در مصراع «قطره باران که در افتد به خاک»، «قطره باران» گروه نهادی و ترکیب وصفی است.

ث) در مصراع «گل به همه رنگ و برزندگی» دو ترکیب اضافی دیده می‌شود.

☐ درست ☐ نادرست

☐ درست ☐ نادرست

☐ درست ☐ نادرست

☐ درست ☐ نادرست

☐ درست ☐ نادرست

۹ هسته گروه اسمی در چند مورد درست مشخص شده است؟

- (الف) حامل سرمایه (حامل)
(پ) آن مست شده (آن)
(ث) چشمه کوچک (چشمه)
(۱) سه
(۲) چهار

[توران - مدرسه صالح - دی ۹۹]

۱۰ جدول زیر را کامل کنید.

واژه	هم خانواده	متضاد	مترادف
عاجز			
حقارت			
درخشان			

[کرج - مدرسه اهل بیت - دی ۱۴۰۰]

۱۱ نقش دستوری بخش‌های مشخص شده را بنویسید.

- (الف) راست به مانند یکی زلزله
(ب) رفت و ز میدا چو کمی گشت دور
(پ) زو بدمد بس گوهر تابناک
(ت) در این میان، صیادان برسیدند و هر دو جانب آگیر محکم بیستند.

۱۲ زمان و شخص و شمار افعال مشخص شده را بنویسید.

- (الف) چون بدوم، سبزه در آغوش من
(ب) داده تنش بر تن ساحل، یله
(پ) می‌کند از پرتو من زندگی
(ت) وان همه هنگامه دریا بدید

۱۳ با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- «چشمه کوچک چو به آنجا رسید
خواست کزان ورطه قدم در کشد
(الف) در مصراع اول یک ترکیب وصفی بیاید.
(ب) در مصراع سوم چند جمله دیده می‌شود؟
(پ) در مصراع دوم یک ترکیب اضافی مشخص کنید.
(ت) مفعول در مصراع چهارم کدام است؟

فلمروادبی

● آرایه ادبی

۱۴ جای خالی را با عبارت مناسب کامل کنید.

- (الف) در مصراع «غلغله زن، چهره نما، تیزپا»، کنایه از «خودنما» است.
(ب) در مصراع «بوسه زند بر سر و بر دوش من» واژه‌های «بر و سر» آرایه را ساخته‌اند.
(پ) در مصراع «ماه ببیند رخ خود را به من» آرایه مشهود است.

[توران - مدرسه ثامن الائمه - دی ۱۴۰۰]

۱۵ با توجه به هر یک از موارد داده شده، پاسخ درست را انتخاب کنید.

- (الف) در بیت «گه به دهان، بر زده کف، چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» آرایه «جناس» دیده می‌شود یا «تکرار»؟
(ب) آرایه بارز در بیت «گفت: در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم» تضاد است یا کنایه؟
(پ) در بیت «چشمه کوچک چو به آنجا رسید / وان همه هنگامه دریا بدید» آرایه «تضاد» دیده می‌شود یا «تشبیه»؟

[کرج - مدرسه فرقانی - دی ۹۸]

۱۶ در ابیات زیر حس آمیزی را مشخص کنید.

- (الف) لیک چنان خیره و خاموش ماند
(ب) دل چاشنی گرفت از آن خنده‌های شور
(الف) قطره باران که در افتد به خاک
(ب) عاشق و مفلس کند این شهر را
کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند
آری نمک لذیذ نماید کباب را
زو بدمد بس گهر تابناک
این چنین چابک که این طرّار (دزد) ماست

- ۱ [۶] گزینه «الف»: در گزینه «الف» و بیت صورت سؤال، «شکن» به معنی «پیچ و تاب» است و در بیت «ب» فعل امر از مصدر «شکستن» است.
- ۲ [۶] گزینه «الف»: گزینه «الف»: نادره: بی همتا، شگفت آور - ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری
- ۳ [۶] و [۱۲] (الف) روش، طریقه، (ب) رها، آزاد، (پ) بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ، (ت) میدان جنگ، جای نبرد، (ث) قرار گذاشتند
- ۴ [۶] (الف) درخشان: تابناک، (ب) سریع: تیزیا، (پ) پیچ و تاب: شکن
- ۵ [۷] و [۱۳] (الف) حامل، (ب) خواست، (پ) حازم، (ت) صواب
- ۶ [۷] و [۱۳] (الف) قفلت ← غفلت، (ب) هیلت ← حیل، (پ) ورته ← ورطه، (ت) غزا ← قضا
- ۷ [۷] و [۱۳] بهر ← بحر - خواستن ← خاستن - سیات ← ثبات
- ۸ (الف) درست، (ب) درست، (پ) درست، (ت) نادرست: «قطره باران» گروه نهادی اما ترکیب اضافی است. (ث) نادرست: در مصراع دو ترکیب وصفی دیده می شود: همه رنگ، همه برانزندی
- ۹ گزینه «۲»: در مورد «پ»، «مست شده» هسته گروه اسمی است.
- ۱۰ [۶]

واژه	هم خانواده	متضاد	مترادف
عاجز	عجز، عجزه	توانا، قادر	ناتوان، زبون
حقارت	تحقیر، مُحَقَّر	عزت - سربلندی	پستی - ذلت
درخشان	درخشش، درخشنده	تاریک، بی نور	پرفروغ، تابان

- ۱۱ (الف) قید - متمم، (ب) متمم - مسند، (پ) متمم - نهاد، (ت) نهاد - مضاف الیه - قید
- ۱۲ (الف) مضارع التزامی: اول شخص مفرد
- (ب) ماضی نقلی (داده است): سوم شخص مفرد
- (پ) مضارع اخباری: سوم شخص مفرد
- (ت) ماضی ساده: سوم شخص مفرد
- ۱۳ (الف) چشمه کوچک، (ب) دو جمله، (پ) هنگامه دریا، (ت) خویشتن
- ۱۴ (الف) چهره نما، (ب) جناس ناهمسان، (پ) تشخیص (جان بخشی)، استعاره مکنیه
- ۱۵ (الف) جناس: صدف و هدف، (ب) کنایه: تاج سر بودن کنایه از بزرگ و سرور بودن، (پ) تضاد: چشمه ≠ دریا
- ۱۶ [۹] (الف) شیرین سخنی شنوایی چشایی
- (ب) خنده های شور شنوایی چشایی
- ۱۷ [۱۰] (الف) خاک مجاز از زمین است. (ب) شهر مجاز از مردم شهر است.
- ۱۸ (الف) آه به دود مانند شده است (اضافه تشبیهی) و ادراک به آیینیه مانند شده است. (اضافه تشبیهی)
- (ب) «دل ما» به «سرو» مانند شده است و وجه شبه آن «پای بندی» است. «دل ما» به «لاله» مانند شده است و وجه شبه آن «داغ دار بودن» است.
- ۱۹ (الف) [۸] چشمه
- (ب) [۳] الهی نامه
- (پ) [۴] کلیله و دمنه
- ۲۰ (الف) [۱۱] صدای امواج خروشان دریا، گوش آسمان را کر کرده و دریا از خشم، چشمانش سیاه شده بود و موجب ترس و وحشت بسیار شده بود.
- (ب) [۱۱] هنگامی که پیچ و خم موهایم را از هم باز می کنم (صاف و بی موج می شوم)، ماه چهره خود را در وجود من می بیند.

- (پ) [۱۱] [چشمه] خواست خود را از آن مهلکه نجات بدهد.
- (ت) [۱۱] [اما با دیدن عظمت دریا] شگفت زده و ساکت شد و با وجود آن همه ادعا و زبان آوری، شنونده صدای دریا شد.
- (ث) [۱۱] گل با همه جلوه و زیبایی خود، زندگی اش را از من می گیرد و حیاتش به من وابسته است.
- (ج) [۱۵] یکی از ماهی ها که دوراندیش تر و هوشیارتر بود و بارها بلاهای روزگار ستمکار را تجربه کرده بود، سریع دست به کار شد.
- ۲۱ [۱۱] احتیاط در سخن گفتن
- ۲۲ [۱۱] سکوت: «پ» - عقب نشینی: «الف» - «آرام گرفتن و صاف شدن»: «ت»
- ۲۳ [۱۱] گل ها و گیاهان رنگارنگ
- ۲۴ [۱۱] (الف) شنونده صدای دریا شدن، (ب) ترسناک و دلهره آور شدن
- ۲۵ [۱۱] آسمان
- ۲۶ [۱۱] انسان های فروتن و متواضع
- ۲۷ [۱۱] برتری همنشینی با یار بر تفزج و گشت و گذار
- ۲۸ [۱۱] و [۱۵] (الف) ۳ مفهوم مشترک: ادعای بی ماندی و داشتن غرور و تکبر (ب) ۱ مفهوم مشترک: گرفتاری غافلان در دام و بلاهای روزگار
- (پ) ۴ مفهوم مشترک: افتادگی و تواضع موجب بهره مندی و سعادت می شود.
- مفهوم بیت ۲: پرهیز از ریاکاری و دروغ
- ۲۹ [۱۱] گزینه «پ»: این بیت به مفهوم «سرسیزی طبیعت از بارش باران» اشاره دارد، اما دو گزینه دیگر به مفهوم «تکبر و خودستایی» اشاره دارند.



پاسخ سؤال های ویژه امتحان برای کنکور

- ۳۰ [۶] (الف) راست: درست، مقابل دروغ، راست: به درستی، دقیقاً، (ب) خیره: بیهوده، بی دلیل، خیره: سرگشته، حیران، (پ) همسری: برابری، مساوات همسری: ازدواج
- ۳۱ [۱۰] (الف) «جام» مجاز از شراب است.، (ب) «خط» مجاز از حکم و امر و فرمان است.، (پ) «سر» مجاز از قصد و فکر است.، (ت) «دم» مجاز از سخن است.
- ۳۲ [۴] (الف) تجلی زیبایی خداوندی در همه پدیده ها و زیبایی های جهان (ب) طلب بخشش، لطف و یاری از خداوند
- ۳۳ [۹] گزینه «۳»
- بررسی سایر گزینه ها:
- گزینه «۱»: سلام خشک: آمیختگی دو حس «شنوایی و لامسه»
- گزینه «۲»: تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس «چشایی و شنوایی»
- گزینه «۴»: صغیر گرم: آمیختگی دو حس «شنوایی و لامسه» و شنیدن بو: ترکیب دو حس «شنوایی و بویایی»
- ۳۴ [۱۰] گزینه «۱»: در این گزینه «سر» در معنای حقیقی به کار رفته است.
- بررسی سایر گزینه ها:
- گزینه «۲»: سر مجاز از قصد و نیت
- گزینه «۳»: سر (اول) مجاز از جان شاعر و سر (دوم) مجاز از فکر و خاطر
- گزینه «۴»: «سر» مجاز از قصد و نیت
- ۳۵ [۴] گزینه «۴»
- بررسی سایر گزینه ها:
- در گزینه های «۱»، «۲» و «۳» همانند بیت سؤال سخن از «وصف ناپذیری خداوند» است. در گزینه «۴» مفهوم اصلی «تأسف عاشق از شهرت معشوق در زبان انسان های کم ارزش و سکوت شایستگان» است.

سؤالات آزمون خردادماه: فارسی (۱)		آزمون شماره (۶)		پایه دهم دوره دوم متوسطه		ساعت شروع: ۹ صبح	
نام و نام خانوادگی:		کلیه رشته‌ها		تاریخ: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱		مدت امتحان: ۸۵ دقیقه	
دانش آموزان روزانه داخل و خارج کشور در نوبت شهریور ماه سال ۱۴۰۲							
ردیف	سؤالات پاسخنامه دارد.						
نمره							
	قلمرو زبانی (۷نمره)						
۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.	(الف) در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد. (ب) آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربه و سفاقت نهاد.					
۲	معادل معنایی واژه «صاحب‌دل» را در بیت زیر مشخص کنید.	«ز بسز غیب، کس آگاه نیست قصه مخوان معنی کدام واژه در مقابل آن درست نیامده است؟					
۳	(الف) خذلان: مذلت (ب) سپردن: طی کردن	(پ) تمایز: امتیاز داشتن (ت) قهر: خشم					
۴	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.	(الف) صد هزاران این چنین (اشباح / اشباه) بین (ب) (خواست / خاست) کزان ورطه قدم در کشد (پ) کمان را بمالید رستم به چنگ					
۵	در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املايي وجود دارد؛ آن را بیایید و شکل درست آن را بنویسید.	(الف) و فلق، محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت گذارده‌ای. (ب) و آنکه غفلت بر حال وی قالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش چپ و راست می‌رفت. (پ) پس به زجر و مصادره از وی بازستانی و در خزانه نهی، درویش و رعیت را چه سود دارد؟					
۶	در کدام گزینه، املاي همه واژه‌ها به درستی آمده است؟	(الف) غبطه، حضیض، سُخره (ب) مقریان، وقاهت، مسخرکی					
۷	واژه حذف شده در مصراع نخست بیت زیر را بنویسید و نوع حذف (قرینه لفظی / قرینه معنایی) را مشخص کنید.	«دو لشکر نظاره بر این جنگ ما نقش دستوری ضمیرهای متصل را در بیت‌های زیر بنویسید.					
۸	(الف) ای صبح دم، ببین که کجا می‌فرستمت (ب) گر در طلبت رنجی، ما را برسد شاید	نزدیک آفتاب وفا می‌فرستمت چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها					
۹	در بیت زیر یک واژه «دو تلفظی» بیایید.	«زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار در هر یک از بیت‌های زیر نوع «را» را بنویسید.					
۱۰	(الف) هم‌اکنون تو را ای نبرده‌سوار (ب) چه زخم چه نای هر دم، ز نوای شوق او دم	پیاده بیاموزمت کارزار که لسان غیب خوش‌تر، بنوازد این نو را					
۱۱	نقش واژه‌های مشخص شده در بیت «خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره رایی» در کدام گزینه آمده است؟	(الف) مفعول، مسند، متمم (ب) مفعول، قید، مضاف‌الیه					
۱۲	معنی فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟	(الف) به گرز گران دست بُرد اشکبوس (ب) ابر ز من حامل سرمایه شد (پ) ریش بر می‌کند و می‌گفت: «ای دریغ					
۱۳	هر یک از بیت‌های زیر به کدام شیوه بیان (بلاغی / عادی) آمده است؟	(الف) جمله عالم زین سبب گمراه شد (ب) تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی					
	«ادامه سؤالات در صفحه دوم»						

۱۴	در عبارت زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. «چون به بصره رسیدیم از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.»	۰/۲۵
۱۵	در عبارت «شی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار پیشه‌ای، خفته.» نوع «و» را مشخص کنید.	۰/۲۵
۱۶	در بیت زیر، کدام واژه‌ها «ممال»‌اند؟ «کشانی بدو گفت با تو سلیح نبینم همی جز فسوس و مزیح»	۰/۵
۱۷	قلمرو ادبی (۵ نمره) کاربرد هر یک از آرایه‌های ادبی «تضمین، مراعات نظیر، اغراق» به ترتیب در کدام بیت‌ها مشهود است؟	۰/۷۵
۱۸	الف) سپهبد عنان ازدها را سپرد ب) زینهار از قرین بد؛ زنه‌ها! پ) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.	۰/۷۵
۱۹	الف) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد ب) زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت پ) سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری در عبارات زیر، مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.	۰/۵
۲۰	الف) چشم‌ها را باید شُست، جور دیگر باید دید. ب) چشم‌هایش دیگر نمی‌خندید، لب‌هایش شل و آویزان شده بود. در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبّه به» را مشخص کنید.	۰/۲۵
۲۱	«راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله» در عبارت زیر، کاربرد کدام آرایه‌های ادبی مشهود است؟ (ذکر دو نمونه کافی است).	۰/۵
۲۲	«دفت‌رجه من با مصطفی را - که در دو طرف او روی نیمکت نشسته بودیم - بر می‌داشت و صفحه سفیدی را باز می‌کرد و ارتجالاً انشایی می‌ساخت و با صدای گرم و رسا به اصطلاح امروزی‌ها اجرا می‌کرد و یک نمره بیست با مبلغی آفرین و احسنت تحویل می‌گرفت و مثل شاخ شمشاد می‌آمد و سر جای خود می‌نشست.»	۰/۷۵
۲۳	هر یک از آثار زیر نوشته یا سروده کیست؟ الف) سه پرسش ب) اتاق آبی پ) گوشواره عرش	۰/۵
۲۴	شخصیت «گردآفرید» را در داستان رویارویی با سهراب، مختصراً تحلیل کنید. جاهای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید. الف) تا خار غم عشقت آویخته در دامن ب) خندگی گران بر دل دشمن‌اند	۱
۲۵	قلمرو فکری (۸ نمره) معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) عزمت ضامن دوام جهان شد. ب) در «شهنار» شوری به پا کرده بود. پ) تا با خاک آنس نگیری، راهی به مراتب قُرب نداری. ت) اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد. ث) برآهیخت رهام گرز گران ج) جز از جام توحید هرگز ننوشم چ) گفت: «در این معرکه یکتا منم» ح) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
۲۶	عبارت «خونت با خون بهایت، حقیقت، در یک تراز ایستاد.» در توصیف چه کسی بیان گردیده است؟	۰/۲۵
۲۷	شاعر در بیت «تعلیم ز اژه گیر در امر معاش / نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش» بر چه مفهومی تأکید دارد؟	۰/۵
	«ادامه سؤالات در صفحه سوم»	

- ۲۳ [۱۲۲] گردآفرید در این داستان، پهلوانی شجاع و با تدبیر (باهوش) است. (۰/۵)
- ۲۴ الف [۶۷] کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها (۰/۵)
- ب [۱۲۷] بداندیش را آتش خرمن اند. (۰/۵)
- ۲۵ الف [۳۲] اراده تو پایداری دنیا را ضمانت کرد. (۰/۵)
- ب [۱۴۶] با خواندن آواز شهناز، هیجان و غوغایی برپا کرده بود. (۰/۵)
- پ [۹۴] تا فروتنی و عبادت نکنی، به درجه نزدیک شدن به خدا نمی‌رسی. (۰/۵)
- ت [۴۰] اگر اندوهگین یا شادمان هستی، آن را به کسی بگو که در غم‌خوار تو باشد. (۰/۵)
- ث [۱۱۶] رهام گرز سنگینش را بالا برد؛ دست هر دو سردار از جنگیدن خسته شد. (۰/۵)
- ج [۱۰۲] من تنها به یگانگی خدا اعتقاد دارم؛ حتی اگر مرا ظالمانه بکشی. (۰/۵)
- چ [۱۱] گفت: «من در این میدان، یگانه‌ام و سرور بوته گل و دشت هستم». (۰/۵)
- ح [۴۱] ای کسانی که به اقبال نیک خود افتخار می‌کنید، دوران خوش بختی شما نیز خواهد گذشت. (۰/۵)
- ۲۶ [۳۲] امام حسین (ع) (۰/۲۵)
- ۲۷ [۵۳] بخشنده بودن (۰/۵)
- ۲۸ [۴۱] کسانی که گرفتار طمع شوند یا طمع کاران (۰/۵)
- ۲۹ [۷۵] به شایستگی من پی ببرد. (۰/۵)
- ۳۰ [۱۱۶] تهدید به مرگ (۰/۵)
- ۳۱ [۴۱] مردم (۰/۲۵)
- حاکم یا عامل ظالم (۰/۲۵)
- ۳۲ [۱۳۶] پرهیز از مقایسه نادرست. (نباید قریب شباهت‌های ظاهری را خورد). (۰/۵)
- ۳۳ [۶۳] صبوری یا شکیبایی (۰/۲۵)
- ۳۴ [۱۵۷] شهادت طلبی مردم لبنان به پیروی از امام حسین (ع) (۰/۵)
- یادداشت

فلش کارت

زهره در: ترسناک
سهمگن: ترسناک
* غلغله زن: شور و غوغاکنان
* گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ
* معرکه: جای نبرد، میدان جنگ
* نادره: بی مانند، شگفت آور
* نمط: روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب
همسری: برابری
* هنگامه: غوغا، داد و فریاد
* ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری
* یله دادن: تکیه دادن، لم دادن؛ یله: رها، آزاد

۱۱ معنی و مفهوم ابیات درس

- ۱- گفت، درین معرکه، یکتا منم
تاج سر گلبن و صمرا، منم
می گفت که در این دنیا من نظیری ندارم و باعث زیبایی بوته گل و دشت هستم.
- ۲- چون بگشایم ز سر مو، شکن
ماه ببیند رخ خود را به من
هنگامی که امواج خود را باز می کنم (هنگامی که صاف و زلال می شوم)، ماه تصویر خود را در من می بیند.
- ۳- قطره باران که در افتد به خاک
زو برمد بس گهر تابناک
قطره باران وقتی بر زمین می افتد، گل های رنگارنگی از او به وجود می آید.
- ۴- در بن این پرده نیلوفری
کیست کند با هو منی همسری؟
در زیر این آسمان آبی، چه کسی می تواند با من برابری کند؟ (هیچ موجودی نمی تواند با من برابری کند و من از همه برتر هستم.)
- ۵- نعره برآورده، فلک کرده کر
دیده سیه کرده، شده زهره در
با خشم و خروش خود فریاد برآورده و گوش فلک را کر کرده و همه را ترسانده بود.
- ۶- راست به مانند یکی زلزله
داده تنش بر تن ساحل، یکه
دریای هولناک درست مانند زلزله ای بود که خود را در آغوش ساحل رها کرده و به آن تکیه داده بود.
- ۷- فواست کزان ورطه، قدم در کشر
فویشتن از هارثه برتر کشر
لیک پنهان فیره و قاموش مانر
کز همه شیرین سفتی، گوش مانر
خواست تا خود را از آن جای خطرناک نجات دهد؛ اما آن چنان ساکت و متعجب شد که با وجود همه لاف و ادعا فقط گوش کرد و چیزی نگفت.

● ستایش: به نام کردگار

۱ معنی واژگان ستایش

* افلاک: جمع فلک، آسمان ها
رخسار: چهره
* رزاق: روزی دهنده، از صفات خداوند
* زهی: صوت تحسین، آفرین، شگفتا، خوشا
عجایب: جمع عجیب، چیزهای شگفت آور و بدیع
* فروغ: پرتو، روشنایی
* فضل: لطف، توجه، احسان که از خداوند می رسد.
* کام: دهان
وصف: شرح کردن

۴ معنی و مفهوم ابیات ستایش

- ۱- به نام کردگار هفت افلاک
که پیدا کرد آدم از کفی خاک
به نام خداوندی که مالک هفت آسمان است و انسان را از مشتی خاک آفرید.
- ۲- زهی گویا ز تو، کام و زبانم
تویی هم آشکارا، هم نهانم
آفرین بر تو که زبانم از قدرت تو سخنور شده است. تو آشکار و پنهان وجود من هستی. (تو همه چیز من هستی.)
- ۳- هو در وقت بهار آبی پریدار
حقیقت، پرده برداری ز رخسار
هنگامی که در فصل بهار خود را نشان می دهی، به درستی که از چهره خود نقاب برمی داری. (زیبایی های خود را نشان می دهی.)
- ۴- فروغ رویت اندازی سوی خاک
عجایب نقش ها سازی سوی خاک
از پرتو نور رخسار تو است که بر پهنه خاک، رویدنی های عجیب و زیبا در رنگ ها و جلوه های گوناگون ایجاد می شوند.

فصل ۱: ادبیات تعلیمی

● درس اول: چشمه

۶ معنی واژگان درس

بحر: دریا
* برازندگی: شایستگی، لیاقت
* پرده نیلوفری: مقصود آسمان لاجوردی است.
* پیرایه: زیور، زینت
* تیزپا: سریع، شتابنده
* خیره: سرگشته، حیران، فرومانده

● گنج حکمت: پیرایه خرد

● ۱۲ معنی واژگان گنج حکمت

از قضا: اتفاقاً
بَرفور: فوراً، سریع
* جانی: ستمگر، ظالم
* حازم: دوراندیش، محتاط
حیلت: چاره، چاره‌اندیشی
* دست‌بُرد: حمله و هجوم
* صورت‌شدن: به نظر آمدن، تصوّر شدن
* میعاد: وعده، قرار؛ میعاد نهادن: قرار گذاشتن

● ۱۵ معنی و مفهوم عبارات گنج حکمت

- ۱- در آبگیری سه ماهی بود؛ دو هازم، یکی عاجز. از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یکدیگر میعاد نهادند که دهم پیاپی در هر سه را بگیرند. در برکه‌ای سه ماهی بود. دو ماهی دوراندیش و یکی ضعیف و ناتوان. اتفاقاً، روزی دو صیاد از کنار آن برکه گذشتند و با هم قرار گذاشتند که دام بیاورند و هر سه ماهی را بگیرند.
- ۲- ماهیان این سفن بشنودند؛ آنکه هزم زیارت داشت و بارها دست‌برد زمانه‌ی مافی را دیره بود، سبک روی به کار آورد. ماهی‌ها حرف‌های صیادان را شنیدند. آن ماهی که بسیار دوراندیش بود و بارها مورد حمله و هجوم روزگار ستمگر قرار گرفته بود، فوراً دست به کار شد.

● درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

● ۱۶ معنی واژگان درس

* تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد، پرستاری و خدمت کردن
* ضایع: تباه، تلف
* قربات: خویشی، خویشاوندی؛ در متن درس، منظور «خویشاوند» است.
* مستغنی: بی‌نیاز
* مولع: بسیار مشتاق، آزمند
* مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل
میاسا: آسوده مباش
* نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده

● ۲۰ معنی و مفهوم عبارات درس

- ۱- به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا کندم نمای جو فروش نباشی؛ به زبان سخنی نگو که برخلاف عقیده‌ای باشد که در دل داری تا ریاکار و دروغگو نباشی و این‌گونه شناخته نشوی.
- ۲- بدان کوش که به هر مفالی، از حال و نهاد خویش بگریزی، که بزرگان به هر حق و باطلی از پای نشوند؛ تلاش کن که با هر اندیشه باطل و هر چیز ناممکنی، زود دگرگون و عصبانی نشوی که انسان‌های بزرگ با هر حق و باطل زود دگرگون و عصبانی نمی‌شوند.
- ۳- رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به سزا، حق شناس باش؛ فاضله قربات خویش راه رنج و تلاش کسی را تباه مکن آن‌گونه که شایسته است قدردان همه، به ویژه نزدیکان و قوم و خویشات باش.

● روان‌خوانی: دیوار

● ۲۱ معنی واژگان روان‌خوانی

اعتنا: توجه
إصرار: پافشاری
تلخیص: خلاصه کردن
حیرت‌زده: متعجب، سرگشته
زَعشه: لرزش
طاس: سر بی‌مو
* عَمَله: جمع عامل، کارگران؛ در فارسی امروز کلمه عمله، به صورت مفرد، به معنی یک تن کارگر زیردست بنا به کار می‌رود.
هقی‌هق: نام آوای گریه

● ۲۵ معنی و مفهوم عبارات مهم

- ۱- پیژی دستگیرش نمی‌شد؛ چیزی نمی‌فهمید.
- ۲- نیشش باز شده بود؛ خندیده بود.
- ۳- مثل بچه‌ها، لب پرپیده بود؛ مانند بچه‌ها غمگین و آماده گریستن بود.
- ۴- این قدر از من حرف نگیر؛ مرا به حرف زدن وادار مکن؛ سؤال نکن.

فصل ۲: ادبیات پایداری

● درس سوم: پاسداری از حقیقت

● ۲۷ معنی واژگان درس

* تالاب: آبگیر، برکه
تراز: سطح، مرتبه، منزلت
* تناور: تنومند، فربه، قوی جثه
* حَضِیض: جای پست در زمین یا پایین کوه، فرود
* رفیع: بلند، مرتفع
* سُخْره: ریشخند، مسخره کردن
* شرف: آبرو، بزرگواری
شفق: سرخی آسمان هنگام غروب آفتاب
* ضامن: ضمانت‌کننده، برعهده‌گیرنده غرامت، کفیل
* عزم: اراده، قصد
* غِبْطه: رشک بُردن، حال و روز کسی را آرزو داشتن بی‌آنکه خواهان زوال آن باشیم.
* فلق: سرخی آسمان پیش از طلوع آفتاب، سپیده صبح، فجر
* محراب: محل عبادت، جای ایستادن پیش نماز در مسجد

● ۳۲ معنی و مفهوم ابیات درس

- ۱- فون تو شرف را سرگون کرده است / شفق، آینه‌دار نهابت / و فلق، مهرابی / که تو در آن / نماز صبح شهادت‌گزارده‌ای؛ شهادت تو، شرف و آبرو را هم شرمند کرده است. (عظمت شهادت تو از هر شرافتی بالاتر است.) سرخی آسمان هنگام غروب آفتاب نمایانگر بزرگواری تو و سپیده دم همانند محرابی است که تو آخرین نماز صبح خود را در آن ادا کرده‌ای.
- ۲- در فکر آن کودالم / که فون تو را ملیده است / هیچ‌گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در عشیفش هم می‌توان عزیز بود / از گودال پیرس؛ در فکر آن گودالی هستم که تو در آن به شهادت رسیده‌ای؛ هیچ‌گودالی را این چنین بلندپایه و ارزشمند ندیده بودم؛ آری، در پایین‌ترین رتبه و مکان هم می‌توان عزیز و مورد احترام بود. [اگر باور نمی‌کنی] از خود گودال پیرس.